

اللَّهُمَّ آيَاكَ نَعْبُدُ وَآيَاكَ نَسْتَعِينُ

آموزش زبان فارسی ۲

دانشگاه فرهنگیان سلماس

مدرس: ایرج افراسیابی

گروه ۱۳

قسمت دوم

دانشجویان عزیز :

مطالب را به صورت دقیق مطالعه نمایید و ضمن طرح ۳۰ سوال تشریحی و تستی (به همراه پاسخ) از طریق زیر جهت بررسی ارسال کنید:

ارسال به ایمیل : iraj.afrazyabi@gmail.com

مهلت ارسال : ۳۰ اردیبهشت ۹۹ (ارسال بعد از تاریخ اعلامی مورد قبول نخواهد بود)

ذکر دقیق مشخصات (نام و نام خانوادگی ، شماره دانشجویی و گروه کلاسی) الزامی است

توجه : سوال و پاسخ ها به صورت تایپ شده و در قالب word و pdf ارسال شود.

* خلاصه نویسی:

به طور کلی خلاصه نویسی و یادداشت برداری به چهار دلیل پیشنهاد می شود:

اول: اینکه هنگام مطالعه و دقیق خوانی از اصول مهم به شمار می آید و در عمیق تر کردن یادگیری موثر است.

دوم: حجم و زمان مرور مطالب کمتر شده و امکان تمرین های چند باره را به شکلی سریع فراهم می کند سوم: اگر به شیوه ای صحیح خلاصه نویسی انجام گیرد به هنگام دوره کردن مطالب بهتر و موثرتر از خود مطلب مفید واقع می شود

چهارم: این امکان را فراهم می کند که تمام مطالب و مباحث مرتبط با یک موضوع را که در کتاب درسی، جزوه، کتاب کمک آموزشی و هر منبع دیگری پراکنده باشد جمع آوری کرده و از پراکنده خوانی جلوگیری نماید.

* روش های مختلف خلاصه کردن:

یک) علامت گذاری و خط کشیدن زیر جملات:

علامت گذاری سریع ترین روش برای مطالعه فعال بوده و نکات مهم را نیز مشخص می کند زمانی که مطلبی را مطالعه می کنید جایی که برایتان سوال باقی می ماند و مطلب را کامل متوجه نمی شوید از علامت سوال استفاده نمایید و کنار آن مطلب علامت بزنید. هر جا احساس نمودید منطقه سوال خیز بوده و به نکته مهمی اشاره شده است علامت تعجب و جایی که به یک عبارت یا کلمه کلیدی برخوردید روز آن خط بکشید. پاراگراف های مهم را با علامت ضربدر مشخص کنید.

به طور کلی هنگام مطالعه استفاده از علامت گذاری سرآغاز خوبی برای مطالعه دقیق و فعال می باشد

دو) حاشیه نویسی: دومین قدم در راه خلاصه نویسی آن است که کلیدی ترین جمله هر پاراگراف را انتخاب کرده و به زبان خودتان در حاشیه کتاب یا جزوه یادداشت کنید این فرآیند به تمرکز، فکر، دقت، حفظ و یادگیری بهتر کمک می کند.

سه) یادداشت برداری: اصلی ترین نوع خلاصه نویسی یادداشت برداری می باشد که عبارت است از برداشت کلیدی ترین مفاهیم هر مطلب و ثبت آن در دفترچه ای جداگانه به شیوه ای خاص که در دوره های آتی مطالعه کارایی داشته باشد.

هر برگه یادداشت برداری شده باید دو ویژگی مهم داشته باشد :

اول) اینکه باید خلاصه و کلیدی باشد یعنی آنچه یادداشت می شود باید حجمی بسیار کمتر از متن اصلی داشته باشد.

دوم) یادداشت برداری تداعی گر بودن یادداشت هاست یعنی همه آنچه را که پاراگراف و متن قصد انتقال آن را داشت به شما انتقال داده و یادآوری می نماید به بیان ساده یادداشت ها باید مفید اما مختصر باشند.

نحوه به کارگیری تعدادی از نشانه‌های نگارشی:

نقطه (.)

نقطه در موارد زیر به کار می‌رود:

* در پایان جمله خبری، مانند: کار امروز را به فردا می‌فکن.

* در کوتاه نویسی نام‌ها و عناوین، مانند:

ع. اقبال آشتیانی (عباس اقبال آشتیانی)

نشانه پرسشی (?)

نشانه پرسشی در موارد زیر به کار می‌رود:

پس از جمله پرسشی، مانند: از معده خالی چه قوت آید و از دست تهی چه مروت؟

*نشانه تعجب (!)

نشانه تعجب در موارد زیر به کار می‌رود:

- پس از اصوات، مانند: حاشا! آفرین! زهی!

- در پایان جمله تعجبی، همچنین برای نشان دادن تحسین، تحقیر و استهزا و عواطفی نظیر آنها، مانند: به به از آفتاب عالم‌تاب! چه هوای خوشی!

- برای برحذر داشتن یا تاکید مانند: به هوش باش! زود باش!

*ویرگول یا کاما (،)

برای کاربرد ویرگول قواعد بسیاری نهاده شده است که در یک قاعده کلی می‌توان گفت که هر آنجا که گوینده یا نویسنده در گفتار یا نوشتار خود مکث می‌کند و بدین سان جزئی از اجزای جمله را از اجزای دیگر آن جدا می‌سازد نهاده می‌شود.

از این قاعده کلی می‌توان گفت که ویرگول در موارد زیر به کار می‌رود:

- پس از منادا، مانند: ای پسر، خیال محال از سر به در کن

- برای جدا کردن و در عین حال ایجاد ارتباط میان اجزای همپایه در یک جمله، مانند:

- اجزای اسمی: سرداران، برادران، خواهران، به شهر ما خوش آمدید.

- اجزای وصفی: مردی آزموده، جهان دیده، تلخ و شیرین روزگار چشیده.

- اجزای قیدی: شب و روز، تنها یا در جمع، آشکارا و نهانی، یاد خدا می کرد.

- برای جدا کردن عبارت توضیحی: در این ناحیه، انواع غلات، به ویژه گندم، کشت می شود.

- برای جدا کردن اجزای تاریخ یا نشانی، مانند: شنبه ۱۴ مهر، نشانی: شماره ۱۵، خیابان انقلاب، تهران (ایران)

نقطه ویرگول (؛)

نقطه ویرگول در موارد زیر به کار می رود:

- برای جدا کردن و در عین حال ایجاد ارتباط میان جمله های هم پایه ای که در درون خود آنها نشانه دیگری (مثلاً ویرگول) به کار رفته است. مانند:

تا بیمار را صحتی کامل پدید نیاید، از خوردنی مزه نیابد؛ و جمال، تا بار گران نهاد، نیاساید؛ و مردم هزار سال، تا از دشمن مستولی ایمن نگردید، گرمی سینه او نیارامد.

- در پایان هر شاهد از یک مجموعه شواهد اگر به صورت جمله نیامده باشد. مانند: چار کس از چرا کس به رنج اند : حرما از سلطان؛ دزد از پاسبان؛ فاسق از غماز؛ روسپی از محتسب.

دو نقطه (:)

دو نقطه در موارد زیر به کار می رود:

- پیش از مجموعه ای از شواهد، مثال ها، اقسام و اجزاء مانند: و این شراب انواع دارد: شراب محبت، شراب عشق، شراب وصال، شراب جمال

- پیش از عبارت توضیحی در بیان یا تایید مطلبی مانند: نتیجه این حادثه دور از انتظار بود: که دولت استعفا داد

- پیش از قول مستقیم اگر با حرف ربط " که " آغاز نشده باشد. مانند: گفت: نماز را هم قضا کن که چیزی نکردی که به کار آید.

- برای جدا کردن اجزای ساعت. مانند: ۱:۳۵ بعد از ظهر.

خط تیره (-)

خط تیره در موارد زیر به کار می رود:

- برای جدا کردن عبارات معترضه (یعنی عبارتی خارج از موضوع آن را میان کلام می آورند) مانند: یک روز تمام - اگر حاجت باشد دو روز - برای انجام دادن این کار فرصت دارید

- برای جدا کردن کلمه و عبارت توضیحی یا تأکیدی. مانند: شهر و هر آنچه در آن بود- ساکنان و چهارپایان و بناها - در آتش سوخت

- به جای تا و برای بیان فاصله های زمانی، مکانی و مقداری. مانند: قطار تهران- مشهد

شیوه های املاي فارسي

یکی از ایرادات وارد بر زبان فارسی تعدد گونه های نوشتاری و املايی کلمات است که کتاب های مختلف نگارش به طرق مختلف به آسیب شناسی این موضوع پرداخته و روش هایی را برای حل این مشکل ارائه می نمایند.

* قانون یک :

حرف " ط " مخصوص زبان عربی است استفاده از این حرف در کلمات غیرعربی جایز نیست مانند: اطلاق، بلیط، طوفان، اطو، باطری، ایتالیا. طهران

* قانون دو

تنوین مخصوص زبان عربی است و استفاده از این حرکت در کلمات غیرعربی جایز نیست.

پس ننویسیم: تلفنا و تلگرافا، جانا، ناچارا، زبانا، دوماً، سوما

نکته: استفاده از کلمات تنوین دار عربی در زبان فارسی ایرادی ندارد اما می توان همین کلمات را با اعمال اندک تغییراتی به شیوه فارسی نزدیک کرد .

به عنوان مثال: به جای عمداً بنویسیم به عمد. به جای خصوصاً بگوییم به ویژه. به جای واقعاً بنویسیم به واقع به جای مشخصاً بنویسیم آشکارا

* قانون سه :

الف مقصوره در زبان عربی کاربرد بسیاری دارد و در واقع الف کوچکی است که روی حروف مختلف قرار می گیرد و کلمه را از داشتن حرف الف معمولی بی نیاز می دارد بنابراین در زبان فارسی هم ایرادی ندارد که از آن استفاده کنید اما بهتر است به شکل صحیح و الف دار بنویسیم.

پس ننویسیم: رحمن، اسمعیل، تقوی، شوری، مصلی، کبری

یک نکته:

در متون قدیم خفتن و خسبیدن آمده است ولی امروزه بیشتر در نثر ادبی به کار می‌رود و در زبان رایج خوابیدن مستعمل است خفتن امروزه به کلی منسوخ شده است و در متون قدیم نیز به ندرت استعمال می شده است

مبحث دستور

کلمه در زبان فارسی به سه نوع تقسیم می شود: اسم، فعل، حرف

※ اسم کلمه ای است که معنی مستقل دارد و زمان خاصی را نشان نمی‌دهد و برای نامیدن موجودات و اشیا به کار می‌رود.

گروه اسمی : اسم + وابسته

※ گروه اسمی دو گونه است : موصوف و صفت، مضاف و مضاف الیه.

※ اسم مشتق: اسمی است که در ساخت آن فعل وجود داشته باشد: مثل آرامش که از بن مضارع آرام به اضافه حرف ش درست شده است.

※ اسم جامد: اسمی که در ریشه آن ساختمان فعل نباشد. مثل: کتاب

※ اسم خاص: اسمی که بر فرد یا افرادی خاص و معین دلالت می کند. مانند: سلماس، آذربایجان، مدیترانه

※ اسم عام: اسمی که شامل همه گروه همجنس خود باشد. مثل: دریا، کتاب

※ اسم ساده: اسمی که دارای بیش از یک جزء معنادار نباشد. مانند: قلم، کتاب، میز

※ اسم مرکب: اسمی است که در عین برخورداری از مفهوم واحد دارای بیش از یک جزء باشد. مثل: کتابخانه، نمازخانه، قلمدان، گریه

※ اسم نکره: اسمی که نزد مخاطب بر فردی نامعین از یک جنس دلالت کند. مثال: مردی کتاب می خواند.

*** اسم معرفه:** اسمی است که نزد مخاطب نشانگر فرد یا مفهومی معین از یک جنس باشد. مثل: پیامبر قران تلاوت می فرمود.

*** اسم مفرد:** اسمی است که برای یک موجود یا مفهوم دلالت می کند. مثال: درس، کتاب

*** اسم جمع:** اسمی است که هم بر بیش از یک موجود دلالت کند و هم دارای نشانه جمع ها و ان باشد. مثال: دروس . کتاب ها

= نکته : اسم جمع اسمی است که بر واحدی دلالت دارد که در آن واحد بیش از یک فرد یا شیء را شامل می شود .
اسم جمع دارای نشانه جمع نیست. مثال: لشکر ، مردم ، سپاه، گله

*** اسم ذات:** اسمی که به طور مستقل مفهومی خارج از ذهن داشته باشد و قابل لمس می باشد. مثال: خانه، میز

*** اسم معنی:** اسمی که به طور مستقل در خارج از ذهن وجود ندارد و وجود آن وابسته به مفهوم دیگری است . مثل
ادب ، هوش

*** اسم مصدر:** اسمی است که حاصل و نتیجه معنای مصدر را نشان می دهد بی آنکه خود دارای علامت مصدر باشد .
مثل: دانش، ستایش

*** حاصل مصدر:** همان اسم مصدر است منتها ساختی خاص از آن، یعنی اسم یا صفت به اضافه ی + ی : شادی ،
مردی

دیگر ساخت های مشهور اسم مصدر عبارتند از:

- بن مضارع + ش : دانش

- بن مضارع + های غیر ملفوظ : گریه

- بن ماضی + آر : گفتار

- اسم + بن مضارع + آن: حنابندان

- اسم + آن : چراغان

- بن ماضی + و + بن مضارع : گفتگو

نقشهای اسم:

نقش اسم یعنی وظیفه ای که اسم در جمله برعهده دارد. نقش های اسم از این قرارند:

نهاد، مسند، مفعول، متمم، قید، مضاف الیه، منادا، صفت

فعل:

کلمه یا کلماتی است که یکی از معانی را در زمان گذشته، حال و آینده نشان می دهد.

مفاهیمی که در هر فعل وجود دارد عبارتند از: معنا، زمان، شخص، تعداد

افعال خاص:

فعل خاص فعلی است که صرف می شود یعنی به شش ساخت زیر تبدیل می شود:

اول شخص مفرد، دوم شخص مفرد، سوم شخص مفرد، اول شخص جمع، دوم شخص جمع، سوم شخص جمع

قسمت های اصلی فعل: بن و شناسه

بن جز ثابتی است که مفهوم اصلی فعل را نشان می دهد. هر فعلی دارای بن است. شناسه جزء متغیری است که که

شخص و تعداد فعل را نمایان می کند. بن خود بر دو گونه است: بن ماضی و بن مضارع

ماضی در فعل های ماضی و مستقبل و برخی از اسم ها و صفت ها حضور دارد و بن مضارع در فعل های مضارع و امر استفاده می شود.

معمولاً فعل را به چهار گروه اصلی تقسیم می کنند: ماضی، مضارع، مستقبل، امر

*فعل ماضی

فعل ماضی نشان می دهد که آغاز انجام معنای فعل در زمان گذشته است.

انواع فعل ماضی:

مطلق یا ساده: نوشتن

استمراری :می نوشتم

نقلی :نوشته ام

نقلی مستمر :می نوشته آن

بعید: نوشته بودم

التزامی: نوشته باشم

ابعد: نوشته بوده ام

ملموس : داشتم می نوشتم

فعل مضارع:

فعل مضارع نشان می دهد که آغاز تحقق معنای فعل در زمان حال یا آینده است

انواع فعل مضارع :

ساده : نویسم

اخباری: می نویسم

التزامی : بنویسم

ملموس: دارم می نویسم

فعل مستقبل:

فعل مستقبل نشان می دهد که آغاز تحقق معنای فعل در زمان آینده خواهد بود: خواهیم نوشت.

فعل امر:

فعل امر فعلی است که با آن انجام دادن کاری یا پذیرفتن حالتی را طلب می کنیم :بنویس

تقسیم بندی فعل از لحاظی دیگر :

***فعل لازم :** فعلی است که به مفعول نیاز ندارد: از دکتر اجازه گرفتم و باز راهی میدان نبرد شدم .

***فعل متعدی :** فعلی است که به مفعول نیاز دارد: او کتابهایش را می خواند .

***فعل دو وجهی:** فعلی است که گاه به صورت لازم و گاه به صورت متعددی به کار می رود: ای دل ! اگر می شکنی بی صدا بشکن (وجه لازم) - هرگز دلی را نشکن (وجه متعدی)

***فعل معلوم :**

فعل معلوم فعلی است که نهادش فاعل آن باشد یعنی فاعل آن معلوم است: شاگردان آمدند.

***فعل مجهول:**

فعلی است که نهاد در حقیقت مفعول آن باشد.

***ساخت فعل مجهول:**

بن ماضی از فعل متعدی +های غیر ملفوظ + فعل معین از مصدر " شدن " . مثل: نوشته شد

ضمیر:

ضمیر کلمه ای است که به جای اسم می نشیند و نقش های مختلف آن را می پذیرد. مرجع ضمیر همان اسمی است که ضمیر جانشین آن شده است. ضمیر دارای هشت گونه است: شخصی، مشترک، اشاره، پرسشی، مبهم، تعجبی، شمارشی، ملکی

***ضمیر شخصی :**

ضمیری که جانشین شخص می شود خواه گوینده خواه شنونده و خواه دیگری. این ضمیر خود دو گونه است: ضمیر منفصل یا گسسته و ضمیر پیوسته یا متصل.

ضمیر شخصی متصل ضمیری است که تنها به کار می رود و معنی مستقل دارد: من ، تو، او، ما ، شما، ایشان

ضمیر شخصی متصل ضمیری است که به کلمه دیگر می پیوندد و معنی مستقل ندارد: م ، ت ، ش ، مان، تان، شان .

*ضمیر مشترک :

ضمیری که همواره یک صورت دارد و میان شش ساخت ، مشترک است :خود ،خویش ، خویشتن *ضمیر اشاره :

ضمیری است که مرجع آن به اشاره معلوم می شود:

آن / این و ترکیباتش " آنها . آنان . اینها اینان

*ضمیر پرسشی:

واژه های پرسشی اگر به تنهایی در جمله بیایند (بدون همراهی اسم) که /چه / کدام / کی / کجا / چگونه / چند / چقدر .

*ضمیر مبهم:

واژه هایی که بر شخص یا مقدار مبهمی دلالت می کنند: چند /همه /یکی / هر که / کمی /دیگری.

* ضمیر تعجبی:

واژه هایی که مفهوم تعجب و شگفتی را برساند: وه / چقدر / به .

*ضمیر شمارشی:

صفت شمارشی که بدون همراهی اسم بیاید: مثل: هفت یکی از اعداد فارسی است.

* ضمیر ملکی:

واژه مرکب " از آن " است که معنی مال و متعلق به را می دهد : من زان خودم هر آنچه هستم ،هستم.

***حروف اضافه ، ربط و نشانه:**

۱) حرف اضافه : حرف اضافه حروفی است که معمولاً کلمه یا گروهی از کلمه ها را به فعل یا صفت برتر یا اسم جمع و یا مثل اینها نسبت می دهد و آنها را متمم یا وابسته فعل ،صفت برتر یا اسم جمع و مانند اینها قرار می دهد.

حروف اضافه بر دو دسته اند :

الف)حروف اضافه ساده : (شامل: از ، الا ، الی ، اندر ، در ، با ، بدون ، بر ، برای ، به ، جز ، چون ، در ، ضد ، علیه ، غیر ، مانند ، مثل ، مگر)

ب) حروف اضافه مرکب: (شامل: غیر از، به غیر از، به مجرد، به محض، به عنوان، به مثابه، به وسیله، به واسطه، در برابر، در قبال، درمیان، از جمله، در خصوص)

۲) حرف ربط: حروفی هستند که دو واژه را به هم پیوند می دهد.

حروف ربط دو دسته اند:

الف) حروف ربط ساده: (شامل: اگر، اما، باری، پس، تا، چه، خواه، زیرا، که، لیکن، نیز، و، ولی، هم، یا) ب) حروف ربط مرکب: (شامل: آنجا که، آنگاه که، از آنجا که، از آنکه، از این روی، از بس، از بس که، بس که، از بهر آن که، اکنون که، چنانچه، الا اینکه، با این حال، با وجود این، به شرط آنکه، چنانکه)

۳) حرف نشانه: حرفی است که برای تعیین مقام و نقش کلمه در جمله می آید و نقش آنها را مشخص می کند. برای مثال "را" در جمله "علی را دیدم" نشانه مفعول است. حروف نشانه عبارتند از: الف در آخر کلمه - منادا - ای، یا، را، نشانه کسره

*** انواع نوشته:**

۱) طنز

طنز واژه‌ای عربی است و در واژه به معنای مسخره کردن، طعنه زدن، عیب کردن، سخن به رمز گفتن و به استهزاء از کسی سخن گفتن است.

در ادبیات، طنز به نوعی خاص از آثار منظوم و منثور ادبی گفته می شود که اشتباهات یا جنبه های نامطلوب و رفتار بشری، فسادهای اجتماعی و سیاسی و حتی تفکرات فلسفی را به شیوه‌ای خنده دار به چالش می کشد.

در تعریف طنز آمده است اثری ادبی که با استفاده از بذله، وارونه سازی، خشم و نقیضه، ضعف‌ها و تعلیمات اجتماعی جوامع بشری را به نقد می کشاند. استعمال کلمه طنز برای انتقادی که به صورت خنده آور و مضحک بیان شود در فارسی معاصر سابقه زیاد طولانی ندارد هر چند که طنز در تاریخ بیهقی و دیگر آثار قدیم زبان فارسی به کار رفته است.

سابقاً در فارسی هجو به کار می رفت که بیشتر جنبه انتقاد مستقیم و شخصی دارند و اغلب آموزنده و اجتماعی هم نیست

در فارسی هزل را نیز به کار برده اند که ضد جدّ است و بیشتر جنبه مزاح و مطایبه دارد.

طنز تفکر برانگیز است و ماهیتی پیچیده و چند لایه دارد گرچه طبیعتش بر خنده استوار است اما خنده را تنها وسیله ای می انگارد برای نیل به هدفی برتر و آگاه کردن انسان به عمق رذالت ها. اگر چه به ظاهر می خنداند اما در پس این خنده واقعیت تلخ و وحشتناکی وجود دارد که در عمق وجود، خنده را می خشکاند و انسان را به تفکر وا می دارد.

آثار طنز ابتدا به صورت شعر بود و بعداً شیوه نثر را هم شامل شد. امروزه در ادبیات جهان مشهورترین طنزنویسان، نثرنویسانی چون: سروانتس، ولتر، جاناتان سوئیفت، هنری فیلدینگ و جوزف آدیسون هستند.

از طنزپردازان معروف ایران می توان به ایرج میرزا، محمد ابراهیم باستانی پاریزی، ابوالقاسم پاینده، محمد علی جمالزاده، ابوالقاسم حالت، عبید زاکانی، کیومرث صابری فومنی (گل آقا)، سید اشرف الدین گیلانی (نسیم شمال) و سید ابراهیم نبوی اشاره کرد

***شیوه های طنز:

انواع آثار ادبی که طنزنویس می تواند به کار ببرد فوق العاده زیاد و متنوع است: زمان، نمایشنامه، شعر.

اما شیوه ها یا تکنیک هایی که در آن به کار می رود محدود است :

یک) کوچک کردن

دو) بزرگ کردن

سه) تقلید مضحک از یک اثر ادبی شناخته شده

چهار) ایجاد موقعیتی در داستان یا نمایش که به خودی خود طنز آمیز است پنج) به کار بردن عین کلمات کسی که مورد طنز قرار می گیرد و ایجاد چهارچوبی مضحک برای آن .

۲) حکایت؛

واژه حکایت بر گرفته از واژه محاکات به معنای مشابه کسی یا چیزی شدن، مانند چیزی را به گفتار یا کردار آوردن است .

حکایت نوعی از داستان کوتاه است که در آن درس یا نکته های اخلاقی نهفته است این درس یا نکته بیشتر در پایان حکایت بر خواننده آشکار می شود شخصیت های حکایت، آدم ها، حیوانات یا اشیای بی جان اند .

حکایت ها معمولاً طوری نوشته می شوند که خواننده به سادگی آنها را درک کند، ادبیاتی را که در آن حکایت به کار برده می شود ادبیات تعلیمی می نامند. برخی حکایت ها از نسلی به نسل دیگر بازگو می شود، بیشتر در حکایت با استعاره از اشیا و یا حیوانات، نابخردی انسان در رفتار و منشش به وی نشان داده می شود گاهی حکایت آکنده از طنز یا هزل است .

✱ قصه :

قصه یکی از میراث های کهن جامعه بشری است که در هر شرایط و روزگاری به نسل ها منتقل می شود. قصه علیرغم پیدایش رسانه های دیداری شنیداری و تصویری نه تنها ارزش و جایگاه خود را حفظ نموده بلکه به کمک آنها نیز آمده است به طوری که بسیاری از رسانه های موفق بدون قصه امکان ادامه حیات ندارند .

در همه جوامع، بخش مهمی از تعلیم و تربیت کودکان به عهده قصه است و هرچه استفاده از داستان های مناسب برای کودکان بیشتر باشد تاثیر آنها در فرآیند یادگیری و یاددهی افزون تر خواهد بود و دستیابی به اهداف بهتر و سهل تر می گردد.

قصه ها در زمینه اصلاح رفتاری کودکان کاملاً موثر هستند. طبعاً استفاده از پندها و صفات توصیه شده قرآنی به عنوان محور موضوعی قصه اثربخشی بیشتری خواهد داشت .

نکته مهم در انتخاب قصه ها قرار گرفتن محتوا و هدف پیام دینی متناسب با سن کودک می باشد .

✱ افسانه :

داستان هایی که دارای عوامل تخیلی بسیار و شخصیت های خارق العاده و عجیب و شگفت هستند و امکان وقوع ماجرا های آنها دور از ذهن و غیر ممکن است افسانه نامیده می شوند . محققان ادبی معتقدند که افسانه ها از قدیمی ترین نوع ادبیات هستند و آنها را به طور کلی به دو دسته عامیانه و جدید می توان تقسیم کرد .

✱ نمونه هایی از افسانه های عامیانه عبارتند از:

-افسانه‌های توأم با تکرار

-افسانه های حیوانات سخنگو

-افسانه های جادویی

-افسانه های حماسی و قهرمانی

-افسانه های فلسفی و دینی

-افسانه های عاشقانه .

ویژگی های مشترک افسانه‌های ملل:

مطالعه در افسانه‌های ملل ویژگی های مشترک زیر را در آن ها را روشن می‌سازد:

الف) افسانه های عامیانه یک قوم نمایشگر عادات و آداب و اصول آن قوم و مبین احساسات و نگرش مردم آن نسبت به مسایل زندگی است.

ب) در بیشتر افسانه‌های ملل، خصایل عالی انسانی از قبیل فروتنی، جوانمردی، سخاوت و شجاعت و محبت مورد ستایش قرار می‌گیرد.

در همه افسانه ها ،خواننده می‌بیند که این صفات نیکو گر چه ممکن است که سبب مشکلات و بدبختی‌های بشوند ولی همواره در پایان پیروزند .در نتیجه ناخودآگاه به تبعیت از آن ها کشانده می شود. در هیچ افسانه عامیانه از هیچ ملت و قومی هرگز دیده نشده است که ظالمی زورگو پیروز گردد .

❖ داستان :

داستان باز آفرینش رویدادها و حوادث به ظاهر واقعی است. داستان واگویی و تکرار واقعیت نیست .داستان فر آورده ای است تخیلی که در جهان خود واقعی نمایانده می‌شود . داستان یا قصه به نثری گفته می‌شود که روایتی تخیلی در آن نقل شود. داستان شامل انواع رمان، داستان کوتاه و داستانتک است از ابرمتن ها هم در داستان های امروزی استفاده

می‌شود. داستان از انواع ادبی است شامل آثاری که از تخیل نویسنده خلق شده است و حوادث و شخصیت‌های آن واقعیت ندارد.

– تفاوت قصه و داستان :

تفاوت قصه که در ادب گذشته ما سابقه ای دور و درازی دارد با داستان به معنای متعارف آن در طرز نگریستن به واقعیت یا در حقیقت در نحوه پرداخت آن است. در قصه وهله اول ، سرگذشتی که نقل می شود اهمیت دارد و آدمها فقط از حیث پیش بردن این سرگذشت نقشی فعال یا منفعل دارند. در ادب گذشته ما سمک‌عیار، امیر ارسلان نامدار و قصه‌های عامیانه یا شفاهی را می‌توان از مقوله قصه نامید.

در حقیقت قصه یا رمانس شکل بدوی داستان کوتاه یا رمان است اما داستان یا رمان چه در نگریستن به واقعیت و چه در پرداختن به ساختارهای روایی فرق اساسی با قصه یا رمانس دارد. داستان یا رمان معمولاً آدمها را به نحوی می‌پردازد و جریان زندگی را - چنان که هست یا فرض می شود که هست - به گونه روایت می کند و پیچیدگی‌های واقعی و تناقض‌های گوناگون هستی در آن انعکاس پیدا می‌کند، گیرم این پیچیدگی‌ها و تناقض‌ها از صافی ذهن خیالپرداز نویسنده می‌گذرند.

در داستان یا رمان آدم‌ها با یکدیگر و با طبیعت و با موقعیت و وضعیت اجتماعی آنها چه از حیث طبقاتی و نژادی و چه از حیث اخلاقی و جنسی کمابیش قابل توضیح است یا باید قابل توضیح باشد. سیرت یا شخصیت آدمها بیش از حوادث و سیر ماجرا - چنان که در قصه یا رمانس می‌بینیم - اهمیت دارد. نهایتاً می‌توان گفت قصه شکل بدوی داستان یا رمان است.

❖ لطیفه چیستان و ضرب المثل :

این سه خرده مفهوم ادبی نیز از عنصرهای موثر در آموزش زبان هستند به ویژه معانی ضمنی و غیرمستقیم نهفته در این سه عنصر در صورتی که به زبان آموز یاد آوری نشوند می‌توانند به مانعی جدی در آموزش تبدیل شده و روند زبان آموزی را با مشکلات جدی روبرو نمایند و چنانچه زبان آور با ظرایف این سه عنصر آشنا شود می‌تواند فرآیند آموزش را همراه با لذت از توانایی‌های ادبی هر زبان را دنبال کند.

راههای تلفیق زبان آموزی با هنر :

الف (شعر :

خواندن درست شعر، استفاده از امکانات و ابزار موسیقی با رعایت تناسب و موقعیت بر تاثیر این سروده‌ها خواهد افزود. خوب خواندن شعر بیشتر جنبه تجربی دارد و با تکرار و تمرین حاصل می‌شود و تمرین پیش از اجرا و علاقمند بودن به شعر دو نکته اساسی برای شعرخوانی به شیوه بهتر و موثرتر هستند.

ب (قصه :

می‌دانیم که قصه نقش بسیار مهمی در تکوین شخصیت کودکان دارد. مسلماً علاقه به قصه را خداوند در نهاد انسان گذاشته است زیرا خداوند از زیر و بم آفریده خود دقیقاً آگاه است و در تمام کتاب‌های آسمانی به زبان قصه با انسان سخن گفته است از این رو ما می‌توانیم بسیاری از مسائل علمی، اجتماعی، عاطفی و... را از طریق قصه به دانش آموزان آموزش دهیم.

ج (بازی :

در دوره ابتدایی با اجرای بازی های هدفدار می توان تحرک، پویایی و حتی فضائل اخلاقی را در شخصیت کودکان بارور کرد و ریشه گرایشات منفی آتی را خشکانید و گامی اساسی در تربیت کودکان برداشت. برای بازی های خود قوانین وضع کنند و به صحبت های همدیگر گوش دهند مشکلات موجود در بازی را با گفت و گو حل کنند.

د (آموزش در اوقات فراغت:

دانش آموزان علاقه زیادی به تلویزیون و کامپیوتر دارند و می دانیم که بیشتر اطلاعات خود را از طریق حس بینایی کسب می کنند.

بنابراین می توانیم فیلم های متناسب با سن آنها پخش کنیم تا آنها پس از مشاهده، تجزیه و تحلیل و قضاوت نمایند.

ه (نمایش :

برای استفاده از این روش ها باید آشنایی کافی داشت، روش تدریس ایفای نقش، فعالیت هایی را در بر می گیرد که یادگیرندگان را تا پای واقعیت یا آنچه هست پیش می برد.

ایفای نقش پلی بین حرف و عمل: در جریان ایفای نقش دانش آموزان موقعیت‌ها یا ایده‌ها و مهارت‌هایی را بررسی کرده و به کسب و فهم آن اقدام می‌کنند. روش تدریس ایفای نقش سبب فراگیری مهارت‌های نوین، تحریک خلاقیت، بهبود ارتباطات و... می‌شود.

اصول حاکم بر برنامه درسی زبان آموزی:

در کلیه مراحل برنامه ریزی از طراحی تا تولید کتاب و مواد آموزشی مجموعه‌ای از باید‌ها و نبایدها تدوین شده است که همواره راهنمای برنامه ریزان و معلمان می‌باشد. این باید‌ها و نبایدها تحت عنوان اصول مطرح می‌شوند که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

اصل (۱) روش کاربردی در آموزش زبان فارسی:

- آیا کتاب دانش آموز را به فعالیت وادار می‌کند؟

- آیا سواد آموزی در فعالیت‌های کتاب "خواندن" و "نوشتن" سهم ویژه‌ای دارد؟

- آیا میزان محتوای کتاب بالا و قابل قبول است؟

- آیا در ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی دانش آموزان همه مهارت‌های زبانی رعایت شده است؟

اصل (۲) گسترش و رشد مهارت‌های زندگی:

- آیا میزان آشنایی دانش‌آموزان با مهارت‌های زندگی در کتاب قابل قبول می‌باشد؟

- آیا در کتاب به مهارت‌هایی در زمینه خانه، روابط خانوادگی، تربیت فرزند و آداب زندگی توجه شده است؟

- آیا در کتاب به مهارت‌هایی در زمینه حرفه‌ای و شغلی مانند کشاورزی، دامداری و فنی توجه شده است؟

- آیا در کتاب به مهارت‌هایی در زمینه بهداشت، دین و زندگی کار و ایران توجه شده است؟

اصل ۳) کتاب باید زمینه‌ساز مطالعه پیوسته در دانش آموز باشد.

- آیا در کتاب فعالیت کتابخوانی در میان فعالیت‌های درس‌ها پیش‌بینی شده است؟

- آیا در کتاب از حکایت‌ها و فعالیت‌ها در پایان دروس استفاده شده است؟

- آیا مطالعه کتاب دانش‌آموزان را تشویق به عضویت در کتابخانه و کتابخوانی می‌کند؟

اصل ۴) بهره‌گیری از پژوهش‌های جدید در زمینه ادبیات مردمی و عامیانه.

- آیا شعرهای مناسب هر درس در بخش‌ها هم بخوانیم استفاده شده است؟

- آیا از قالب‌های داستانی برای پرورش درس استفاده شده است؟

- آیا به شعرهای مردمی از جمله در لایه‌ها و شعرهای مربوط به اعیاد و مراسم توجه شده است؟

- آیا مثل‌ها و ریشه‌های داستانی مناسب در درس و فعالیت‌ها استفاده شده است؟

اصل ۵) سیر آموزش زبان از ساده به دشوار

- آیا متن درس‌ها از ساده به دشوار تدوین شده است؟

- آیا مفاهیم زبانی و دستوری از ساده به دشوار تدوین شده است؟

- تا چه میزان نکته‌های نگارشی کوتاه و پرکاربرد در کتاب آورده شده است؟

- آیا واژه‌هایی که برای آموزش روابط معنایی می‌آید از ساده به دشوار تنظیم شده است؟

اصل ۶) آموزش نکات زبانی، اخلاقی، ارزشی و شناختی به شکل غیر مستقیم

- آیا از قالب‌های هنری مناسب برای پروراندن آموزش نکات زبانی در کتاب استفاده شده است؟

- آیا در آموزش نکات زبانی پرهیز از "باید‌ها" و "نباید‌ها" در بیان مطالب رعایت شده است؟

- تا چه میزان در کتاب پرسش هایی که دانش آموزان را به هدف نزدیک می کند رعایت شده است ؟

اصل ۷) آموزش زبان و گویش رسمی در کنار گویش و زبان منطقه ای و محلی

- آیا در کتاب مقایسه دو گویش رسمی و محلی برای آشنایی دانش آموزان آمده است؟

- آیا در کتاب از فعالیت هایی برای تبدیل ضرب المثل ها به گویش محلی و گفتن در کلاس استفاده شده است؟

- آیا در کتاب از فعالیت هایی برای خواندن شعرهای محلی در کلاس استفاده شده است؟

اصل ۸) توجه به تمام گونه های زبان فارسی

- تا چه میزان از زبان فارسی یعنی زبان کتاب ها و مجله ها و روزنامه ها در درس های کتاب استفاده شده است ؟

- تا چه میزان از زبان رسمی یعنی زبان شعرها و قصه ها و لبخندها استفاده شده است؟

- چه میزان توصیه شده که حکایت ها و شعر ها و لبخند ها با همان زبان نوشته شود ؟

اصل ۹) برنامه درسی زمینه ساز بروز و شکوفایی نوآوری و جست و جوی باشد

- آیا فعالیت هایی برای تقویت روح جستجوگری و کشف پیش بینی شده است یا خیر؟

- تا چه میزان فعالیت هایی برای پیدا کردن راه حل برای حل مشکلات و مسائل رعایت شده است؟

- آیا طراحی فعالیت های نگارش خلاق در کتاب وجود دارد یا خیر؟

- آیا می توان دانش آموز را به جای شخصیت های داستانی و یافتن راه درست را جایگزین کرد یا خیر؟

اصل ۱۰) زمینه سازی برای بروز رفتارهای اجتماعی- اخلاقی- تربیتی

- آیا فرصت هایی برای طرح هنری مفاهیم اخلاقی تربیتی و اجتماعی در نظر گرفته شده است ؟

- آیا مفاهیمی چون مشارکت، آینده‌نگری، تیزبینی، انتقادپذیری، دوست‌یابی، همدردی با دیگران، کمک به دیگران، اعتماد به نفس و فداکاری به چشم می‌خورد؟

- آیا فعالیت‌های لحاظ شده است که از دانش‌آموز مقاومت و مبارزه با آسیب‌ها و مشکلات را بی‌پرسد؟